

1398/04/05

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و کارکنان قوه قضائیه

به مناسبت ایام سالروز شهادت شهید بهشتی و هفته قوه قضائیه (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، اعضای فعال یک دستگاه بسیار مهم که دستگاه قضائی است! هفته‌ی مربوط به دستگاه قضائی را به شما تبریک عرض میکنیم و یاد شهید بهشتی را گرامی میداریم. انصافاً این شهید بزرگوار یک نعمتی بود؛ هم برای انقلاب، هم بالخصوص برای نیروی قضائی جمهوری اسلامی؛ مرد صاحب فکر، صاحب اراده‌ی قوی، منضبط، اهل کار، پرنشاط، نعمت بزرگی بود؛ یاد ایشان را گرامی میداریم. خداوند درجاتش را عالی کند انشاءالله. از بقیه‌ی رؤسای محترم قوه‌ی قضائیه در دورانهای مختلف هم تشکر میکنیم؛ هر کدام به نوبه‌ی خود فعالیتی کردند، کاری انجام دادند، زحمتی کشیدند برای این قوه‌ی بسیار مهم.

خب، درباره‌ی اهمیت قوه‌ی قضائیه خیلی حرف زده شده، ما هم مطالبی را عرض کرده‌ایم؛ دیگران هم همه درباره‌ی اهمیت قوه سخن گفته‌اند؛ امر معلومی است. محور این اهمیت هم عدل است که در قرآن کریم [آمده]: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ. (۲) عدالت، اساس کار حیات طیبه‌ی انسانی است. شما برای تعجیل فرج امام زمان (ارواحنا فداه) هم که دعا میکنید، میگویید ایشان بیایند که عدالت را برقرار کنند؛ این است دیگر. «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ حَوْرًا؛ (۳) با اینکه آن بزرگوار دین را هم، تقوا را هم، اخلاق را هم به جامعه تزریق خواهد کرد اما شما نمیگویید: «یملأ الله به الارض دیناً»؛ [بلکه] میگویید: «عدلاً»؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که عدل، نیاز اصلی حیات طیبه‌ی انسانی است. شما هم دادگستری هستید، عدلیه هستید، مأموریت اصلی شما اقامه‌ی عدل است. اهمیت قوه‌ی قضائیه از اینجا است. البته حالا در قانون اساسی نکات دیگری هم هست که عرض خواهم کرد.

قوه‌ی قضائیه در جمهوری اسلامی یک بنای جدید بود -مثل یک نهال- و با قوه‌ی قضائیه‌ی قبل از انقلاب تفاوت‌های اساسی داشت. خب این نهال باید روزبه‌روز رشد کند. هر دوره‌ای باید نسبت به دوره‌ی قبل یک پیشرفتی داشته باشد؛ حالا هم یک دوره‌ی جدیدی شروع شده است و بایستی یک فضلی، یک امتیازی، یک آورده‌ای علاوه‌ی بر آنچه دیگران، گذشتگان انجام داده‌اند به قوه‌ی قضائیه اهدا کند؛ این آورده چیست؟ تحول، تحول در قوه‌ی قضائیه؛ معنای تحول چیست؟ معنای تحول این است که شما یک اصول معین و مشخصی بر اساس اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی دارید که بایستی اینها را رعایت کنید؛ پایبند به اینها و در چارچوب اینها باید حرکت کنید که اینها مأموریت‌های اساسی قوه‌ی قضائیه است؛ اینها که تغییر نمیکند؛ اینها همان است که از اول بود، حالا هم هست، بعد از این هم خواهد بود؛ تحول این است که شما برای پرداختن به این اصول، انجام این مأموریت‌ها، رسیدن به این آرمانها، شیوه‌ها و روشهای ابتکاری و مؤثر و نو و دارای تأثیر فراوان را ابداع کنید، ایجاد کنید و از این شیوه‌ها استفاده کنید؛ این یک عیب و خلأها و نقصهایی را هم که در گذشته داشته است برطرف کنید؛ معنای تحول این است.

ما یک دستگاهی داریم با یک شیوه‌های عملیاتی، با یک برنامه‌های اجرایی و در کنارش با مقداری ایراد، نقص، کمبود؛ تحول می‌خواهید ایجاد کنید بایستی آن شیوه‌ها بهینه بشود، تبدیل بشود به شیوه‌های مؤثرتر، کارآمدتر، روان‌تر و آن موانع، آن اشکالات، آن کمبودها برطرف بشود؛ این تحول است؛ این [کار] البته برنامه لازم دارد؛ تحول بدون برنامه که امکان ندارد؛ روزمره که نمیشود حرکت کرد؛ باید دستگاه عاقله و مفکره بنشیند یک طراحی کلان برای این تغییر عمده در ذهن خودش تصویر کند و روی کاغذ بیاورد و تصمیم بگیرد. این کار بحمدالله انجام گرفته؛ این بخش کار را رئیس محترم جدید قوه‌ی قضائیه، جناب آقای رئیسی قبل از آنکه این مسئولیت را به عهده بگیرند، از ایشان خواسته شد، ایشان هم یک برنامه‌ی تحول جامع و مورد قبولی را تهیه کردند؛ پس این کار شده، این قسمت کار انجام گرفته؛ این خیلی خوب است لکن برنامه عبارت است از ذهنیات؛ اگر بخواهیم تحقق خارجی به وجود بیاید، کار لازم دارد. پس توصیه‌ی اول بنده به رئیس محترم و مسئولان محترم و اجزای قوه‌ی قضائیه این است که همین برنامه‌ی خوبی که شما خودتان تدوین کرده‌اید و تهیه کرده‌اید و ارائه کرده‌اید، این برنامه را بر طبق زمان‌بندی، بدون اغماض پیش ببرید؛ نگذارید لنگ بشود. از چیزی واهمه نکنید، بروید جلو، به خدای متعال توکل کنید، اقدام کنید، این برنامه را عملیاتی کنید. کاری کنید که بعد از گذشت یک مدّت قابل قبولی -البته این برنامه‌های کوتاه مدّت و چندماهه و مانند اینها خب کارهای عملیاتی به آن معنا نیست- کاملاً احساس بشود که قوه‌ی قضائیه دچار تحول شد، دارد متحول میشود؛ این با حرکت شما انجام میگیرد. البته آن برنامه [کوتاه مدّت هم] مهم است؛ تهیه‌ی برنامه.

بنده یک وقتی این جوری میفهمیدم که تهیه‌ی برنامه، پنجاه درصد کار است لکن این پنجاه درصد تا به آن پنجاه درصد بعدی منضم (۴) نشود، مثل این است که انجام نگرفته، مثل این است که شما از تو یک چاهی می‌خواهید آب بیاورید بالا که مثلاً فرض کنید که صد متر طولش است؛ تا پنجاه متری آورده‌اید، بعد همان جا مانده باشد؛ مثل این است که نیاورده‌اید دیگر؛ تفاوتی نمیکند. اگر بخواهید آن محصول به دست شما برسد، این پنجاه درصد بعدی را که تحرک و فعالیت و اقدام و بقیه‌ی شرایطی که وجود دارد است، اینها را باید به کار برزید تا انشاءالله محصول حاصل بشود و من امیدوارم. بنده با نگاهی که به دادگستری کشور و قوه‌ی قضائیه‌ی کشور میکنم، امیدوارم که انشاءالله شما خواهید توانست این کار را انجام بدهید. این را هم به شما عرض بکنم، این کار را هم از همین اول کار شروع کنید؛ این جور نباشد که ما حالا بگوییم: «حالا که وقت داریم، یک مدّتی حالا مجال [داریم]، حالا وقت داریم؛ حالا انشاءالله انجام

میدهم؛ بعد آن اواسط کار یا اواخر کار مدام بگویم: «باید این کار را بکنیم، باید آن کار را بکنیم»؛ این فایده ندارد. از همین روز اول باید شروع کنید؛ هیچ تأخیری را برای خودتان مجاز ندانید؛ این یک مسئله.

من چند نکته را یادداشت کرده‌ام راجع به قوه قضائیه؛ البته مطالبی که آقای رئیسی فرمودند، مطالب بسیار خوبی بود؛ حرفهای ما هم همینها است که ایشان بیان کردند. چند نکته‌ای را عرض میکنم.

یک نکته این است که شما به قانون اساسی مراجعه کنید و وظایف قوه را در «قانون» ببینید. وظیفه قوه فقط قضاوت کردن و محکمه‌داری نیست؛ وظیفه قوه فراتر از اینها است. در قانون اساسی احیای حقوق عامه جزو وظایف قوه قضائیه است؛ احیای حقوق عامه، خیلی دامنه وسیعی دارد؛ از مسئله اقتصاد تا مسئله امنیت تا عرصه بین‌المللی، جایگاه حقوق عامه است. دفاع از حق مردم در عرصه بین‌الملل چیز خیلی مهمی است؛ این جزو وظایف شما است؛ یا فرض بفرمایید گسترش عدل و آزادی که خب این گسترش عدل در کنار گسترش آزادی است؛ [منظور از آزادی هم البته در قانون اساسی، آزادی‌های مشروع است؛ معلوم است. گسترش آزادی هم جزو وظایف شما است. چه جوری این را انجام میدهند؟ با چه شیوه‌ای؟ عرض کردم این شیوه‌هایی که باید انتخاب کنید، شیوه‌های نو و ابتکاری [باشد]؛ به اینها همه نظر هست.

یا پیشگیری از وقوع جرم؛ مسئله پیشگیری خیلی مهم است. خب بله یک بخشی از قوه قضائیه را معین میکنیم برای پیشگیری، خوب است، لازم است، لکن پیشگیری یک کار بسیار وسیعی است؛ باید جرم را بشناسید، علل جرم را بشناسید، عواملی که جرم را ایجاد میکنند بشناسید، کارهایی را که میتواند از وقوع جرم جلوگیری کند بشناسید؛ یک فصل عظیمی از کار در اینجا وجود دارد. هر کدام از این کارها هم یک کننده کار لازم دارد؛ نمیشود همین جوری مثلاً بگویم یک کمیته‌ای، فرض کنید به قول ما یک هیئتی گذاشته‌ایم برای این کار؛ نه، اینها باید دانه‌دانه دنبال بشود.

یا حسن اجرای قانون؛ قانون را چه کسی نقض میکند؟ قانون که فقط مقررات راهنمایی یا فرض کنید فلان قانونی که فلان آدم لایالی نقض میکند که نیست؛ قانون گاهی به شکل کلان نقض میشود؛ اینجا قوه قضائیه باید سینه سپر کند. غرض، هر چه انسان به قوه قضائیه نگاه میکند، عظمت این قوه و گستره پهنای این قوه را بیشتر مشاهده میکند؛ این دست شما است، این متعلق به شما است؛ شما شانه‌های خودتان را زیر این بار سنگین داده‌اید. اگر ان‌شاءالله بتوانید کاری انجام بدهید و موفق بشوید، خیلی کار بزرگی است، خیلی خدا را راضی میکنید؛ یعنی اگر شما کارتان را ان‌شاءالله خوب انجام بدهید، از آن صدقات و انقاقات بی‌نظیر است.

یک نکته دیگر - که جناب آقای رئیسی هم به آن اشاره کردند- مسئله مبارزه با فساد است. مبارزه با فساد، هم در درون قوه محلّ کلام است، هم بیرون قوه؛ لکن اولویت با درون قوه است. خب، هزاران قاضی شریف و پاک‌دامن و کارمندان امین در سراسر قوه دارند کار میکنند، تلاش میکنند؛ یک عنصر ناباب در یک دادگستری‌ای در یک شهری پیدا میشود، یک حرکتی انجام میدهد، این روانهای (۵) پاکیزه شریف را بدنام میکند؛ این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ شاید آن تعداد آدم نابابی که در مجموع قوه قضائیه هستند، یک درصد خیلی کمی نسبت به آدمهایی است که یا در اوج شرافتند - ما داریم قضاتی که با زندگی‌های سختی زندگی میکنند، پرونده‌های سنگین مهمی هم دستشان هست، [اما] یک ذره هم تخطی نمیکنند؛ اگر اهل خطا بودند ممکن بود زندگی‌های خیلی بهتری داشته باشند، ابدأ [تخطی نمیکنند] - یا قضات معمولی‌ای [هستند] که دارند کار خودشان را با امانت، با صداقت انجام میدهند؛ نسبت آن افراد فاسد و افراد ناباب در مقابل این افراد، خیلی نسبت کمی است اما یک نسبت کم، یک درصد کوچک هم تأثیرات مخربی میگذارد؛ که حالا من در تصویرسازی از قوه قضائیه، بعداً این را باز عرض خواهم کرد. نسبت به فساد درون قوه قضائیه سخت‌گیری کنید. علتش هم این است که این [قوه]، مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او ناخشنودنی است. هر چه رتبه‌ی شأنی و حقوقی انسان بالاتر رفت، به همان اندازه اهمیّت کار او بیشتر میشود؛ هم در جنبه مثبت، هم در جنبه منفی. شما ملاحظه کنید خداوند متعال به زنها پیغمبر خطاب میکند در قرآن که «يٰۤاَيُّهَا النِّبِيُّ مَنِ اَتٰتْ مِنْكَ بِفٰحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (۶) - هر کدام از شماها کار خلافی بکنید، عذابتان دوبرابر است؛ یعنی همان کاری را که یک زن دیگر اگر بکند پیش خدای متعال صد چوب خوردن دارد، اگر شما انجام بدهید، دویست چوب به شما میزند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید - «وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ لِحًا وَرَسُولَهُ» (۷) آن وقت جزای او و پاداش او هم دو برابر است؛ کار خوب هم که بکنید، پاداشتان دو برابر است. این به خاطر اهمیّت جایگاه انسان است.

بنده خیلی اوقات دلم به حال حضرت یونس (سلام الله علیه) میسوزد. مگر چه کار کرده بود [که گفت]: «سُحِقَتَكَ اِيَّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ»؟ (۸) [آن هم] با آن مجازات سختی که خدای متعال به حضرت یونس داد. خب ایشان هر چه قومش را دعوت کرد، هر چه کرد، گوش نکردند، این هم با آنها قهر کرد، گذاشت رفت بیرون [شهر]؛ کارش همین بود دیگر. حالا اگر چنانچه یک عالمی مثلاً فرض کنید در یک شهری نصیحت کند، مردم گوش نکنند حرفش را و بگویند پس من نمیانم در این شهر و پا شود برود بیرون، خب کار بدی است اما [آیا] مجازاتش این است که برود در دریا و در دل نهنگ و خدای متعال بگوید اگر او تسبیح نمیکرد، «لَلَّيْتِ فَي بَطِيْهَ اِلٰى يَوْمٍ يُعْتَوْنَ»؟ [۹] بنا بوده تا قیامت در شکم ماهی بماند! جزاتش این است؟ اما [با این حال] یونس را خدای متعال این جوری مجازات میکند؛ چرا؟ چون پیغمبر است؛ میگوید شما پیغمبری؛ فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ - خیال کرد ما بر او سخت نمیگیریم؛ «نَقْدِرُ» یعنی سخت گرفتن - فَبَادَى فَي الظّٰلْمَتِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِيَّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ؛ (۱۰) خودش را ظالم دانست، اعتراف کرد، فَاَسْتَجَبْنَا لَهٗ وَجَعَلْنَاهُ مِنَ الْعَمْرِ. (۱۱) این جوری است، شما با آدم معمولی فرق میکنید؛ اگر آدم معمولی یک حرکتی انجام بدهد که دارای نکوهش است، شما اگر آن عمل را انجام دادید، نکوهش شما یا دو برابر او است یا چند برابر او است، تفاوت میکند. با این چشم به مفاسد درون قوه نگاه کنید.

البته نسبت به قوه، تعرض و تهمت و بدگویی و مانند اینها هم زیاد است، این را هم ما میدانیم؛ یعنی واقعاً خیلی بیش از آنچه واقعیت دارد، علیه قوه حرف میزنند، مینویسند. حالا که دیگر فضای مجازی هم هست؛ یک دستگاه بی در و دروازه که هر کس هر چه دلش میخواهد مینویسد. اینها اهمیتی ندارد، اینها شما را از کار باز ندارد. از امیرالمؤمنین کسی عادلتر در دنیا، در تاریخ بشر شما سراغ دارید؟ همین امیرالمؤمنین مظهر عدالت را، به بی‌عدالتی متهم کردند؛ خب میگویند دیگر؛ علیه همه میگویند؛ علیه پیغمبر، پیغمبران، علیه امیرالمؤمنین، علیه خدا، علیه شما هم میگویند؛ بگویند؛ این مانع از این نشود که شما کارتان را انجام بدهید.

یک نکته دیگر که خیلی مهم است، مسئله تصویرسازی از قوه قضائیه است. ممکن است شما خیلی هم خوب و شریف باشید اما یک حادثه‌ای یا حوادثی پیش بیاید که در چشم مردم، آن شرافت، آن امانت، آن صداقت منعکس نشود، عکس آن منعکس بشود؛ این خیلی چیز بدی است. آنچه در چشم مردم باید منعکس بشود این است که قوه قضائیه، دارای این خصوصیات است:

اولاً دارای حکمت است، هم در انتصاباتش، هم در احکامش، هم در رفتارش، هم در گفتارش؛ نشان بدهد که دارای حکمت است؛ بخصوص مسئولان بالای قوه قضائیه در این [موضوع] میتوانند نقش ایفا کنند.

نشان بدهد که دارای علم به مبادی قضا است، این باید نشان داده بشود، معلوم بشود که یک دستگاه عالیم است، از روی علم کار میکند، کار کارشناسی علمی انجام میدهد. علم هم یا قانون است یا فقه است؛ در دستگاه قضا، مبادی قضا عبارت است از فقه و قانون.

قوه‌ای است دارای گوش شنوا برای شنیدن. حوصله شنیدن باید داشته باشید، هم در دادسرا به وسیله بازپرس، هم در مواجهه با دادستان، هم در نهایت در دادگاه در مواجهه با دادرس و قاضی. بایستی گوش شنوا وجود داشته باشد. بشنوید! هم از آن کسی که شاکی است و آمده شکایت میکند گوش بدهید ببینید واقعاً چه میگوید، هم از آن کسی که متهم است و از خودش دفاع میکند، کاملاً گوش کنید ببینید چه میگوید؛ این باید شنیده بشود؛ ممکن است حرف او را قبول هم نکنید اما گوش کنید.

یکی هم اقتدار و قاطعیت است. باید دارای حکمت باشید، دارای علم باشید، دارای حالت و حس شنیداری باشید و دارای اقتدار. باید بفهمند قوه قضائیه دارای اقتدار است، آنچه را تشخیص میدهد، به آن قاطعاً عمل میکند. این مانند پرونده‌ها که بنده بارها در همین جلسه دیدار با قوه قضائیه این را تکرار کرده‌ام، لگد به این حالت است. وقتی پرونده یک سال، دو سال، پنج سال، ده سال میماند، معنایش این است که دستگاه قضائی در این مسئله دچار «چه کنم - چه کنم» است، نمیداند چه کار باید بکند؛ این نمیشود؛ به هر نتیجه‌ای که رسیدند، قاطع آن نتیجه را عمل بکنند.

خب حالا چه کار کنیم که این تصویر در ذهن مردم از قوه به وجود بیاید؟ این دیگر در رفتار شما، در گفتار شما، در عملکرد شما، در تبلیغات درستی که انجام میدهند باید انجام بگیرد؛ البته دستگاه‌های گوناگون، صدا و سیما و دیگران هم باید کمک کنند. دستگاه قضائی متعلق به انقلاب است، متعلق به مردم است، متعلق به کشور است؛ همه دستگاه‌ها بایست به این معنا کمک کنند؛ این جور نباشد که یک چیز کوچک را مثلاً فرض کنید در تلویزیون یا در فلان مطبوعه - مثل فضای مجازی که بی‌مبالات هر چه دلشان میخواهد میگویند- آنها هم همین جور بگویند، یک چیز کوچکی را، یک چیز نامعلوم یا بی‌سند را منتشر بکنند که تضعیف قوه قضائیه باشد؛ نباید [این جور باشد]. این تصویرسازی به عهده همه است، هم به عهده خود شما است، هم به عهده دیگران است. خب این هم یک نکته.

یک نکته دیگر در مورد انتصابات است؛ ببینید، امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در این فرمان معروف به مالک اشتر - که بلندترین نوشته‌ی ایشان است و یک بخشی مربوط به قوه قضائیه دارد و به غلط به آن میگویند عهدنامه، عهدنامه نیست؛ «عهد» است؛ عهد یعنی فرمان- این جوری میفرماید اول که «ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ اَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فَيُتَسَبَّحُ» (۱۲) برای قضاوت، برترین مردم را انتخاب بکن؛ «برترین»، این خیلی چیز مهمی است. بعد آن وقت حضرت این خصوصیات را که باید این شخص برتر داشته باشد، ذکر میکنند؛ ده دوازده خصوصیت است، مراجعه کنید؛ من خواهش میکنم که حتماً همه - بخصوص مدیران قوه قضائیه و آن کسانی که دستشان در انتصابات هست و مانند اینها- مراجعه کنند نگاه کنند. خصوصیات را حضرت ذکر میکنند که درست منطبق با همان نیازهایی است که انسان احساس میکند حضرت همه اینها را احصا (۱۲) فرموده است و بیان کرده‌اند که [قاضی باید] دارای این خصوصیات باشد. (۱۴) پس انتصابات خیلی مهم است، گزینش‌های شغلی خیلی مهم است؛ هم انتصابات، هم گزینش‌ها. میخواهید قاضی گزینش کنید، میخواهید برای یک کارهایی گزینش بکنید، اینها را حتماً نگاه کنید و به این مراجعه کنید؛ من خواهش میکنم به این قسمت از نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، [یعنی] فرمان حضرت به مالک اشتر مراجعه بشود.

یک نکته دیگر هم که نکته آخر است این است که [وظیفه] قوه قضائیه قانون است و حقوق است و بریدن و حد معین کردن است؛ لکن لابه‌لای این چرخ و پَر مهم پولادین قوه قضائیه، بایستی وسیله تطیف هم وجود داشته باشد. یک چیزهایی وجود دارد که اینها تطیف میکند؛ هم خود قوه قضائیه را، هم محصول کار قوه قضائیه را؛ در خود قوه قضائیه با رعایت اخلاق [است]. خصوص [پرهیز از] بداخلاقی با مراجعین؛ حالا با زیردست‌ها هم همین جور است اما بیشتر از زیردست‌ها، مراجعین [هستند]. خوش‌اخلاقی؛ حتماً موظف کنید خودتان را که با اخلاق [با آنها] برخورد کنید. بازپرس در مقام بازپرسی، دادستان در مقام مجادله‌ی با

متهم یا وکیل متهم در دادگاه، [وقتی] استدلال میکند، استدلال کند اما این استدلال با اخلاق باشد. بعضی از این کارهایی که غربی‌ها میکنند و فیلم‌هایش را هم منتشر میکنند که مثلاً فرض کنید دادستان فلان لحن را به کار برد، فلان [بی احترامی را] کرد، اولاً خیلی از اینها دروغ است، ثانیاً اصلاً کار غربی‌ها را هیچ ملاک عمل قرار ندهید؛ نگاه کنید ببینید اسلام چه میگوید، دستورات اسلامی چیست. با اخلاق برخورد کنید؛ بعد هم گاهی اوقات خود قاضی با متهم بگومگو میکند، حرف میزند، یک چیزی میپرسد، یک چیزی جواب میدهد، [اینها] با اخلاق، با نرمش، با حوصله و صبر [باشد]؛ این مثلاً در برخورد درونی.

در عملکردها، در آنجایی که تخاصم وجود دارد، توصیه‌ی به عفو و گذشت و بخشش و مانند اینها [باشد]. در اسلام هم در مسائل خانوادگی فرمودند: وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ؛ (۱۵) صلح بدهند، آشتی بدهند. همین مسئله‌ی احیای حکمیت که مربوط به خانواده است یا این شوراها حل اختلاف -البته به شکل صحیح- اینها همان دخالت دادن اخلاق در مسائل قوه‌ی قضائیه و چرخ و پر قوه‌ی قضائیه است. خوب، حالا اینکه مربوط به مسائل قوه‌ی قضائیه [بود].

راجع به مسائل جاری سیاسی روز هم بحمدالله ملت ایران به معنای واقعی کلمه یک عزت و عظمت و اقتداری را از خود نشان داده؛ نه حالا برای این قضایای اخیر -خب این هم یک نمونه‌ای است- [بلکه] در طول این چهل سال، واقعاً نشان داده. اینکه می‌بینید در خبرگزاری‌های خارجی از زبان سیاستمدارها و دیپلمات‌ها و مانند اینها این روزها زیاد تکرار میشود که ایران را با فشار و تهدید و مانند اینها نمیشود به زانو درآورد، این ناشی از قضایای یک ماه و دو ماه و شش ماه اخیر که نیست، [بلکه] ناشی از چهل سال حرکت ملت ایران است. ملت ایران از لاک توسری‌خوری و ذلتی که به او تحمیل شده بود، خودش را با انقلاب خلاص کرد؛ این لاک را شکست، آمد بیرون. هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی در او بروز کرده، طالب عزت است، طالب استقلال است، طالب پیشرفت است، لذاست که هر چه دشمنان ظالم فشار می‌آورند تأثیری در او نمیگذارد. شما نگاه کنید این راه‌پیمایی‌ها را، شما نگاه کنید این روز قدس را، این بیست‌ودوم بهمن را؛ چهل سال است، شوخی است؟ شما نگاه کنید این انتخابات‌ها را؛ این همه کارشکنی برای انتخابات‌های کشور کردند، [اما] مردم با عزم و اراده‌ی واقعاً تحسین‌برانگیز در میدانهای انتخابات حاضر میشوند. حالا آخر امسال هم یک انتخاباتی هست؛ باز هم با وجود بعضی از تردیدآفرینی‌هایی که بعضی از افراد میکنند، من میدانم که مردم با شور و شوق در این انتخابات شرکت خواهند کرد؛ اینها عظمت ملت ایران را نشان میدهد. حالا این ملت بزرگ را، این ملت شجاع را، این ملت آبرومند را متهم میکنند؛ چه کسی؟ شریب‌ترین حکومت‌های دنیا، یعنی حکومت آمریکا؛ (۱۶) شریب‌ترین دولت‌ها و حکومت‌های دنیا، عامل جنگ، عامل خونریزی، عامل تفرقه، عامل چاپیدن و غارت کردن ملت‌ها در طول تاریخ طولانی نه حالا در ظرف ده سال و بیست سال، منفورترین چهره‌های چنین دولتی، ملت ایران را متهم میکنند؛ هر روز که میگذرد یک دشنامی، یک اهانتی به ملت ایران میکنند. ملت ایران از این اهانت‌ها جا نمیخورد؛ ملت ایران با این توهین‌ها و ناسزاها عقب‌نشینی نمیکند. ملت ایران مورد ظلم قرار گرفته -همین تحریم‌های ظالمانه، ظلم بارزی است به ملت ایران- ملت ایران مظلوم واقع شده لکن ضعیف نیست؛ ملت ایران مقتدر است. به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی همه‌ی مقاصد که ملت ایران برای خودش ترسیم کرده، با قوت و اقتدار، خودش را به آن مقاصد خواهد رساند.

ما مورد ظلم هستیم، مظلومیم، اما ضعیف نیستیم؛ ما مقتدریم. بخش اصلی و مهم قوت ملت ایران به خاطر اعتقاد به حمایت الهی است؛ قَالَ لَا تَخَافُ «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى»؛ (۱۷) خدای متعال با ما است، دارد کمک میکند؛ نشانه‌اش هم همین چهل سالی است که این همه علیه ما توطئه کرده‌اند، این همه فشار آورده‌اند، جنگ راه انداخته‌اند، فتنه راه انداخته‌اند، نفوذ درست کرده‌اند، عوامل تروریستی را به جان مردم انداخته‌اند، هزار کار زشت و خیانت‌آمیز با این ملت انجام داده‌اند، این ملت مثل کوه ایستاد و روزبه‌روز هم استوارتر شد؛ امروز هم از ده سال پیش، بیست سال پیش قوی‌تر، قدرتمندتر و استوارتر است. حالا وقتی که نتوانستند مقاصد خودشان را از راه فشارها و مانند اینها به دست بیاورند، به خیال اینکه ملت ایران، ملت ساده‌ای هستند و گول‌خورند، آمده‌اند که «بیا بید با ما مذاکره کنید؛ شما قابل پیشرفتید!» بله، ملت ایران حتماً پیشرفت میکند اما بدون شما؛ شما اگر بیا بید پیشرفتی نیست. شما و انگلیس و دیگران، پنجاه سال در دوران پهلوی -و بخصوص آمریکا حدود سی سال در دوران پهلوی دوم- همه‌کاره‌ی این مملکت بودید، این مملکت روزبه‌روز عقب رفت؛ شماها عامل پیشرفت نمیتوانید بشوید؛ شماها عامل عقب‌ماندگی ملت ایرانید. ملت ایران پیشرفت میکند به شرطی که شماها نزدیک نبایید.

میگویند بیا بید مذاکره؛ مذاکره یک فریب است؛ مذاکره بر سر چه؟ بر سر آنچه او میخواهد؛ یعنی اسلحه در دست شما است، جرئت نمیکند بیا بید جلو، میگوید آقا آن اسلحه را بده به من، آن اسلحه را ببنداز تا من بتوانم هر کاری که میخواهم با تو بکنم، تا من بتوانم هر بلایی میخواهم سر تو بیاورم؛ مذاکره این است. اگر چنانچه در این مذاکره‌ای که انجام میگیرد شما حرف او را قبول کردی، پدرد درآمده؛ اگر حرف او را قبول نکردی باز همین آش است و همین کاسه؛ دعوا و سر و صدا و تبلیغات و «آقا اینها زیر بار نمیروند» و حقوق بشر آمریکایی و از این مزخرفات. میزنند قریب سیصد نفر را روی آسمان از بین میبرند، ادعای حقوق بشر هم میکنند؛ به کمک سعودی میروند، مردم را در یمن آن جور در بازار و در مسجد و در مجلس عزا و در مجلس شادی و در بیمارستان و مانند اینها بمباران میکنند، ادعای حقوق بشر [هم] میکنند؛ اینها این [جور] هستند.

نخیر، ملت ایران راه خودش را پیدا کرده است؛ راه ما را انقلاب ترسیم کرده، امام بزرگوار ترسیم کرده؛ اهداف ما مشخص است. در این ده‌ها سال، بارها و بارها این اهداف تکرار شده و اهداف باارزش و جذابی است؛ رسیدن به رفاه مادی، رسیدن به عزت اجتماعی، رسیدن به عقلانیت بالا، رسیدن به دانش برجسته و ممتاز و رسیدن به آرامش اجتماعی و امنیت اجتماعی؛ اینها اهداف ما است که اسلام اینها را برای هر ملتی قرار داده؛ برای ما هم این اهداف را اسلام ترسیم کرده و دنبال این، حرکت کرده‌ایم و به کوری چشم دشمن به همه‌ی آنها هم خواهیم رسید. خداوند ان‌شاءالله شماها را و ما را موفق بدارد تا بتوانیم وظایفی را که برعهده‌مان هست به

بهترین وجهی ان شاء الله انجام بدهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت هفته‌ی قوه‌ی قضائیه برگزار شد- حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی (رئیس قوه‌ی قضائیه) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۵۸؛ «... و چون میان مردم داوری میکنید، به عدالت داوری کنید.»
- ۳) بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶
- ۴) ضمیمه شده
- ۵) جانها، روحها
- ۶) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۰
- ۷) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۱؛ «و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد ...»
- ۸) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷؛ «منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم»
- ۹) سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۴۴
- ۱۰) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷؛ «... تا در [دل] تاریکی‌ها ندا در داد که: "معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم."»
- ۱۱) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۸؛ «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ...»
- ۱۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳
- ۱۳) شمردن، جمع‌آوری
- ۱۴) این خصوصیات عبارتند از: توانایی در امر قضاوت، مرعوب طرفهای دعوا نشدن، اصرار نداشتن بر لغزشهای خود، پرهیز از طمع‌کاری، اکتفا نکردن به برداشتهای سطحی، احتیاط در مواجهه با شبهات، اتکاء به ادله، خسته نشدن از مراجعات طرفهای دعوا، بردباری در کشف حقیقت، صدور آرای قاطع هنگام آشکار شدن حقیقت، از تعریف و تمجیدها دچار فریب نشدن، از تشویق دیگران به یکی از طرفهای دعوا متمایل نشدن.
- ۱۵) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸
- ۱۶) معظم‌له در پاسخ به شعار «مرگ بر آمریکا» ی حضار فرمودند: «آن بنده خدا گفته بود ملت ایران دیگر "مرگ بر آمریکا" نمیگویند» که با خنده و شعار مجدد حاضران همراه شد.
- ۱۷) سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۶؛ «فرمود: مترسید، من همراه شما هستم، می‌شنوم و میبینم»